

بازتاب تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی شهرنشینی در امپراتوری اشکانی در مسکوکات

خدیدجه باصری^۱

مجتبی منشی‌زاده^{*۲}

آمنه ظاهری عبدوند^۳

چکیده

۳۷۷

دوران عصر تاریکی Dark Age، که از زمان گودرز اول تا فرهاد سوم بوده است با توجه به منابع بدست آمده، اشکانیان از لحاظ نژادی به قبیله "داهه" Dāhe یکی از اقوام کوچ رو منطقه ماوراءالنهر و دشتهای جنوب سیبری باز میگردد. بر اثر فشار اقوام زرد پوست به سایر اقوام منطقه باعث شد اقوام منطقه به طرف غرب روی بیاورند. اقوام "یونوچی" Yūūcì به سبب فشار "هونها" Hōnha به سایر اقوام منطقه فشار وارد کردند و این اقوام را به سوی جنوب و جنوب غربی یعنی ایران و هند کوچ دادند. از جمله این اقوام، قوم "داهه" Dāhe هستند. اقوام "داهه" Dāhe در اثر کوچ با قبایل زرد پوست منطقه اختلاط پیدا کردند. این قوم یکی از اقوام سفید پوست "سکایی" Sakāi بوده که در اثر برخورد با قبایل زرد پوست مهاجر منطقه تحت تأثیر آداب و رسوم و اعتقادات آنها قرار گرفتند. سکه شناسی و نماد شناسی حاصل این پژوهش، حاکی از استفاده آگاهانه اشکانیان از نمادهای یونانی، تغییر دادن این نمادها در جهت تثبیت سنن بومی و استفاده از این نمادها در مشروعیت حکومت اشکانیان است. می‌خواهیم به بررسی نقش بر روی و پشت سکه‌ها و طبقه بندی و تیپ شناسی آنها بپردازیم هدف تیپ بندی سکه‌ها همراه با ضربخانه، علامت ضربخانه‌ها، شهرها و روابط بین الملل این شهرها با کشورهای همجوار ارمنستان، روم و یونان می‌باشد. در این مقاله روش تحقیق توصیفی تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، امپراتوری پارتیان، ایران، تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی و باستان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* monshizadeh3@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی و باستان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۴۰۴-۳۷۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

مقدمه

پارتیان با توجه به نوع منحصر به فرد زندگیشان علاقه‌ای به ماندن طولانی در یک شهر و بنای شهرهای را نداشتند و دائم در حال جابجایی مکان‌ها و مسافرت‌های جنگی بودند. پارتیان موسس شهرهای زیادی نبودند و بیشتر از شهرهای آباد دوران‌های گذشته هخامنشی و سلوکی استفاده کرده‌اند و توانسته بودند کنترل تمام شهرها و ضرابخانه‌های سلوکیان در ایران را به دست آورند. در دوره اشکانیان برای اولین بار در ایران شاهد حک کردن نام ضرابخانه بر روی سکه‌ها هستیم که می‌تواند راهگشای مسائل اقتصادی، سیاسی و حتی شناسایی معادن آنها باشد. اشکانیان عمدتاً علامت ضرابخانه شهری را که سکه در آن ضرب می‌شد بر پشت سکه درج می‌کردند. این علامت در درهم‌ها معمولاً در زیر کمان ارشک دیده می‌شود (خادمی ندوشن ۱۳۸۵، ۵۹). سکه‌های پارتی دارای علائم و نشانه‌هایی است (مونوگرام) که برخی از آنها متعلق به شهرهایی هستند که سکه در آنجا ضرب شده است. اولین سکه‌ای که به طور یقین دارای علامت ضرابخانه است، به دوران فرمانروایی مهرداد اول تعلق دارد. یکی از مهم‌ترین شهری که تا اواخر دوران اشکانیان به ضرب سکه‌های درهم می‌کرد، شهر اکباتان یا هگمتانه (= همدان) است (سرفرازو آورزمانی ۱۳۸۵، ۴۴). همدان یا اکباتان محل اقامت تابستانی شاهان پارت و ضرابخانه سلطنتی بوده است. از اواسط دوره‌ی شاهنشاهی اشکانی و قرن اول بعد از میلاد مسیح، ضرابخانه‌ها محدود شد و دارای نظم بیشتری شد؛ با توجه به سکه‌های چهاردرهمی و سه درهمی نقره در سلوکیه‌ی دجله و درهم‌های نقره بیشتر در اکباتان ضرب می‌شدند (افتخاری ۱۳۹۶، ۵). با به قدرت رسیدن مهرداد اول و گسترش روز افزون قلمرو پارتیان، اهمیت وجود آوردن ضرابخانه‌های متعدد در نقاط مختلف کشور دور از امکان بود (محمدی فر ۱۳۸۷، ۲۶۴).

از دوران اشکانی ضرابخانه‌های متفاوتی در نقاط مختلف ایران از ادسا در غرب تا هرات در شرق و از تامبراکس در شمال تا شوش در جنوب شناسایی شده است که اغلب آنان از گذشته به خصوص دوره سلوکی به جا مانده بودند و به کار خود ادامه می‌دادند. بعضی از این ضرابخانه‌ها مثل سلوکیه فقط مخصوص چهار درهمی‌ها بود و برخی دیگر مثل اکباتان (همدان) مخصوص یک درهمی‌ها بودند. نخستین سکه‌های اشکانی که به طور یقین

دارای علامت ضرباخانه هستند، درهم‌های ارشک اول هستند که به ضرباخانه می‌ترادات کرت تعلق دارند (غلامی ۱۳۹۲، ۳۷). از زمان فرهاد دوم تصویر شهرها و ضرباخانه‌ها در روی سکه و در پشت سر شاه حک شده است. مهم‌ترین این ضرباخانه‌ها عبارت‌اند از نیسا، تامبروکس، سیرینیکس، آپامنه آ و آریا (هرات) می‌باشد این شیوه کما بیش تا زمان اردوان اول ادامه یافت، اما از زمان اردوان دوم در پشت تعدادی از سکه‌ها نام کامل شهری که سکه در آن ضرب گردید، نوشته شده است (سرفراز و آور زمانی ۱۳۸۵، ۴۴-۴۵). هگمتانه یا اکباتان مهم‌ترین و پرکارترین ضرباخانه‌ی اشکانیان بود. سکه‌های ضرب شده در این ضرباخانه از اواخر دوران حکومت مهرداد اول آغاز شده و تا پایان امپراتوری اشکانی ادامه می‌یابد. اولین گروه از سکه‌های ضرب شده، در این ضرباخانه، یک درهم‌ها، ابول‌ها و چالکوهایی هستند که بعد از فتح اکباتان در سال ۱۴۸ ق. م ضرب شده‌اند (غلامی ۱۳۹۲، ۵۷).

این سکه‌ها دارای علامتی تحت عنوان "مونوگرام" می‌باشند. مونوگرام‌های سکه‌های اشکانی ترکیبی از چند حرف یونانی و نشانه‌هایی برای ضرباخانه، بازرسی ضرباخانه، واحد پولی، سال ضرب و مفاهیم دیگر بودند که از ترکیب و ادغام کردن چند حرف ساخته شده است (افتخاری ۱۳۹۶، ۲). همچنین نمادهای گوناگونی بر پشت سکه-های پارتی دیده می‌شود که بیشتر آن‌ها پشت درهم‌های ارد دوم نقش شده‌اند. به طور مثال دو مونوگرام که به ترتیب بر تعدادی از سکه‌های ضرباخانه اکباتان و مهردادکرت نمایان‌اند، نمادهای خاندان‌های "قارن، گیو" هستند که مرکزشان در هگمتانه و مهردادکرت بوده است. دو ضرباخانه سیرینیکس^۱ و تامبراکس^۲ در قسمت شمال ایران می‌باشند. گیلان امروز با مازندران و گلستان و قسمتی از استان خراسان شمالی، در زمان هخامنشیان و اشکانیان ساتراپی هیرکانیا را تشکیل می‌دادند. دو ضرباخانه اشکانی شمال ایران یعنی سیرینیکس و تامبراکس به مدت کم در سال‌های اولیه تاسیس دولت جدید پارت به ضرب سکه پرداختند. سیرینیکس در جنوب شرقی دریای خزر احتمالاً جایی نزدیک ساری در شرق استان مازندران کنونی بوده است. (ملکزاده بیانی ۱۳۸۱، ۵۳). و شاید خود شهر ساری امروزی، مرکز استان مازندران را محل شهر باستانی سیرینیکس

^۱- syrininx

^۲- Tombrax

می‌دانند (غلامی ۱۳۹۲، ۸۰). هرودوت تاریخ نگار یونانی از شهر بزرگ و تجاری زادراکارتا به عنوان پایتخت تمدن هیرکانیا در ساحل جنوبی دریای خزر یاد می‌کند. ادوارد پولاک پزشک دربار ناصرالدین شاه و ایرانگرد محقق اتریشی گمان دارد که نام ساری تغییر یافته نام کلمه سادراکارتا می‌باشد (پولاک ۱۳۶۸، ۹۸). رابینو جهانگرد معروف انگلیسی و نماینده دولت بریتانیا در رشت که در تاریخ های ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ شمسی از مازندران و گرگان دیدن کرده می‌نویسد: (شهر کنونی ساری در جوار محل یکی از شهرهای بسیار قدیمی برپا شده است. وی اضافه می‌کند: درباره نام شهر قدیمی ذکر شده افراد نقل قولهای متفاوت اظهار داشته‌اند. بعضی آن را زدرکرته می‌دانند و برخی هم معتقدند که نام آن شهر سیرینکس بوده است) (رابینو ۱۳۴۳، ۵۳).

اولین سکه‌های ضرب شده در این شهر، یک درهمی‌های فرهاد اول هستند که در آن‌ها از حروف برای نمایش نام این ضرابخانه استفاده شده است. (غلامی ۱۳۹۲، ۵۶). تامبراکس دومین شهر مهم ساتراپی هیرکانیان به احتمال فراوان همان شهر گرگان امروزی، مرکز استان گلستان است (غلامی ۱۳۹۲، ۵۷). در منابعی دیگر از تامبراکس به عنوان شهری در حوالی ساری امروزی در ساحل جنوب شرقی دریای خزر نامبرده شده است (سرفراز و آورزمانی ۱۳۸۵، ۴۴) و (ملکزاده بیانی ۱۳۸۱، ۵۳). گرگان در کنیه های داریوش و هرگان است و نویسندگان باستان اسم گرگان را هیرکانیان ضبط کرده اند. هیرکانیان اگرچه در نزدیکی پارت بوداما از نظر منابع طبیعی و آب و هوای معتدل تر و درختان و میوه‌ها از پارت بسیار ثروتمندتر و پربارتر بود. در دوران سلوکیه از نعمت‌های هیرکانیان تعریف بسیار کرده اند و استرابون در وصف فراوانی منابع هیرکانیان می‌نویسد: آب و هوای این منطقه به این سرزمین کمک‌های بسیار کرده است (پیرنیا ۱۳۸۶، ۱۸۰). با آغاز سلطنت فرهاد اول، ارتش اشکانی نیرویی تازه گرفت و توانست پس از حدود چهل سال ایالت هیرکانیان را تحت مالکیت خود درآورد. در جنگی که بین فرهاد اول و اهالی دریای مازندران شروع شد، گرگان، مازندران و گیلان در سال ۱۷۴ قبل از میلاد تصرف شدند. به موجب این جنگ اقوامی موسوم به آماردها به ناحیه‌ای در شرق ورامین عقب رانده شدند و سرزمین آنها به دست اقوامی موسوم به تیپیری ها افتاد (ستوده ۱۳۷۴، ۷). یک درهمی‌های فرهاد دوم تنها سکه هایی هستند که می‌توان به طور قطع به این ضرابخانه

نسبت داد. در این سکه‌ها حروف (TAM) برای نمایش نام ضربخانه تامبراکس در پشت سکه های فرهاد دوم به کار رفته است. تسلط اسکندر مقدونی و بعد سلوکی‌ها بر ایران موجب ترویج زبان و خط یونانی گردید. در نتیجه، استفاده از زبان و خط یونانی در دولت و فرهنگ بر پایه‌ی آن استوار بود، در میان ساکنین شهرها رواج یافت (ملکزاده بیانی ۱۳۸۱، ۴۴: ۲).

از حدود نیمه‌ی دوم قرن اول پیش از میلاد، خط و زبان پارتی آن که از آرامی ریشه گرفته بود، جای آن را گرفت (تفضلی ۱۳۷۵، ۷۵). همچنین، تا اواسط قرن یکم میلادی از خط و زبان یونانی برای نوشتن روی سکه‌های اشکانی استفاده می‌شد که با شروع اولین قرن میلادی خط و زبان یونانی از دسترس کم کم خارج شد و به پادشاهی بلاش اول، خطوط یونانی ناخوانا شد^۱ و برای نخستین بار خطوط بر روی سکه‌ها به زبان و خط اشکانی نوشته شدند. سکه‌هایی از اشک اول در دریای رود اترک در شمال ایران پیدا شده است که هردو نوشته یونانی و آرامی دارد (ولسکی ۱۳۸۴، ۸۲).

با این که سکه‌های پادشاهان هم دوره مانند آندرگوراس ساتراپ شورشی پارت خطوط یونانی دارد، ارشک با آگاهی سنت های گذشته را حفظ کردند و با انتخاب خطوط آرامی در دوران هلنیسم در اسناد به دست آمده از نسا، پایتخت قدیم اشکانیان در قرن اول پیش از میلاد خطوط آرامی همچنان مورد استفاده بود (بویس ۱۳۸۷، ۷۳۶). با توجه به ناخوانا بودن و اشتباهات شدید در خطوط یونانی بر روی سکه‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که در طول زمان، خطوط یونانی بر روی سکه‌ها فقط هدف پیام رساندن داشت و القاب شاهی و خطوط که به صورت یک کلیشه درآمده بود فقط تکرار می‌شد. از این رو تغییر از خطوط یونانی به خطوط ایرانی و انتخاب لقب (شاه شاهان) صورت گرفت (شکوری فر و نصرالله‌زاده ۱۳۹۵، ۴۰). همچنین با توجه به ضرورت خط و زبان آرامی به عنوان زبان رسمی اداری در دوران هخامنشی (اشمیت ۱۳۸۲، ۱۶۶) استفاده از آن را می‌توان در راستای حفظ سنت های گذشته و مخالفت با تسلط یونانی‌گری از طریق برگشت به دوران هخامنشی دانست (ولسکی ۱۳۸۴، ۸۳). شاهان اشکانی تا مدت‌ها نام خود را بر روی سکه‌ها به یونانی می‌نوشتند و کلمه "فیلهن" (دوستار یونان) به یونانی

۱- جرجینا هرمان و دیاکونوف نیز به این موضوع اشاره نموده‌اند. برای آگاهی بیشتر رک به: هرمان (۱۳۷۳) و دیاکونوف (۱۳۵۱).

روی آنها دیده می‌شود و گاهی کلماتی نیز به خط پارسی یا پهلوی اشکانی به چشم می‌خورد. در اول، نوشته‌های پارسی بر روی سکه‌ها به صورت نام شاه بوده مانند «ول» (به جای ولگاش یا بلاش و بعد در نیمه قرن دوم میلادی نوشته‌ها طولانی‌تر می‌شود و نام شاه به صورت کامل ذکر می‌گردد) آموزگار و تفضلی (۱۶، ۱۳۸۲). نخستین سکه‌های اشکانی با نوشته‌ی پهلوی اشکانی از زمان بلاش یکم (شاه اشکانی: ۵۰-۷۷ م.) ضرب شدند. سکه‌های اشکانی از زمان گودرز دوم (شاه اشکانی: ۴۳-۵۰ م.) در شهر اکباتان و سلوکیه‌ی دجله ضرب می‌شدند. تنها درهم نقره اردوان چهارم ضرب شهر نیسا، سکه‌های برنزی بلاش چهارم ضرب شهر ادسا هستند و هیچ سکه‌ی اشکانی دیگری پس از گودرز دوم خارج از شهرهای ذکر شده ضرب نشده است. از این میان، تنها تعدادی از درهم‌های نقره ضرب اکباتان و نیز سکه‌های برنزی بلاش چهارم نوشته‌ی پهلوی اشکانی دارند.

در این ضرابخانه‌ها طی سالیان ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی درهم‌های نقره‌ای ضرب شد که دارای خط پهلوی اشکانی می‌باشند، که اهمیت مطالعات سکه‌های ضرب این ضرابخانه را با اهمیت تر می‌کند. در نتیجه با توجه به نکات ذکر شده درباره‌ی این سکه‌ها، این سوال پیش می‌آید که در این دوره زمانی حدوداً طولانی آیا تغییراتی در شکل خطوط و چطور نوشتن آنها صورت گرفته است؟ از زمانی که ارشک یکم تصمیم به ضرب سکه‌های خود گرفته، دولت اشکانیان دورتر از هکاتوم پیلوس (صد دروازه) نرفته بود و از این رو اهمیت در تاسیس ضرابخانه‌ها بر روی این سکه‌ها پیدا نشده بود. اما با گسترش دولت امپراتوری اشکانی در دوران سلطنت مهرداد اول و به دنبال آن تصرف ضرابخانه‌های جدید یعنی اکباتان و سلوکیه، آنان کم‌کم تصمیم گرفتند تا برای کنترل بیشتر در ضرب سکه‌ها و نیز برخی اهداف سیاسی از جمله نشان دادن تصرفات خود بر یک منطقه نام شهری را که سکه‌های مورد نظر در آن ضرب شده بر روی و پشت سکه‌ها نمایش دهند (غلامی ۱۳۹۲، ۳۷۰). از میان ضرابخانه‌های متعدد اشکانیان ضرابخانه‌ی اکباتان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و به عنوان ضرابخانه سلطنتی در نظر گرفته می‌شد. از میانه‌ی دوره اشکانی، پس از میلاد مسیح، ضرابخانه‌ها شمارشان محدود شد و نظم بیشتری گرفت؛ بدین معنا که سکه‌های چهار درهمی و سه درهمی نقره در سلوکیه‌ی دجله و درهم‌های سیمین بیشتر در اکباتان ضرب می‌شدند (افتخاری ۱۳۹۶، ۵). هگمتانه یا اکباتان مهم‌ترین

و پرکارترین ضرابخانه‌ی اشکانیان بود. سکه‌های حاصل این ضرابخانه از اواخر دوران حکومت مهرداد اول شروع شده و تا پایان امپراتوری اشکانی ادامه می‌یابد. اولین گروه از سکه‌های ضرب شده، در این ضرابخانه، یک درهم‌ها، ابول‌ها، و چالکوهایی هستند که بعد از فتح هگمتانه در سال ۱۴۸ ق. م ضرب شده‌اند (غلامی ۱۳۹۲، ۵۷).

۱. روابط ایران در دوران اشکانیان با کشورهای همجوار

از ارمنستان به عنوان یک کشور ترانزیت یاد می‌کنند و ارمنیان نه تنها با مغرب زمین و بازارهای بزرگ آن در کیلیکیه و کاپادوکیه روابط تجاری مداوم داشتند بلکه با قفقاز و باسیتها (ساکنان سرزمین فعلی روسیه) و همچنین از طریق دریای خزر با آسیای مرکزی و چین هم در ارتباط بودند و بدین گونه رابط بین شرق و غرب محسوب می‌شدند. این مبادلات بین مغرب زمین و آسیا، که قسمتی از آن از راه ارمنستان صورت می‌گرفت بیشتر روی کالاهایی از قبیل ابریشم و برنج و ادویه و مواد عطری و سنگ‌های قیمتی (جواهرات) که از آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و حتی از خاور دور می‌آمد انجام می‌شد. امپراتوری روم قسمتی از بهای این واردات را به پول مسکوک (سکه‌های نقره یا طلا) و قسمت دیگر را به‌طور پایاپای با اجناس ساخته شده تشریفاتی که آسان قابل حمل و نقل بود (مانند عطریات و جواهرات زینتی حاصل از ایالت مصر و غیره) می‌پرداختند. تمام قسمت شرقی امپراتوری روم واسطه طبیعی این مبادلات شد و از آن سودهای کلانی عایدش گردید که قهراً ارمنستان هم از آن سهمی داشت. درباره تولیداتی که در خود ارمنستان بدست می‌آمدند آن‌ها نیز از جنس همان تولیدات آسیای صغیر بودند که ارمنستان از نظر اقتصادی دنباله آن شمرده می‌شد. ارمنستان فلزاتی را که از معادن خود استخراج می‌کرد و اشیاء فلزی درست شده و کالاهای پشمی و فرش و شراب و پوست صادر می‌کرد. (استرابون، جغرافیا، جلد یازدهم). شهرهایی که توسط اشکانیان یا رومیان تسخیر می‌گردید در میانگین ضرب سکه‌ها تاثیر داشته است. سکه‌ها به عنوان بخشی از غرامت و هزینه‌های سنگین نظامی پرداخت می‌شده است. این غرامت به خصوص در وزن تترادراخماها در شهرهای سلوکیه، سلوکیه دجله تاثیر داشته است. شهرهایی که توسط اشکانیان تسخیر می‌شد بعد از آن هلنستی‌ها نتوانستند سکه‌های خود را در استانداردهای آتیک تثبیت کنند. ضرب سکه‌ها چهاردرهمی و وزن آنها به‌طور پیوسته کاهش پیدا می‌

کرد. زیرا که مرزهای شهرها متفاوت شده بود گسترش روم از غرب و همینطور پارتیان از شرق باعث شده بود وزن سکه‌ها تغییر پیدا کند. هنگامی که پارت‌ها در سال ۱۴۱ پ.م برای اولین بار سلوکیه در دجله را مورد تهاجم قرار دادند بی‌ثباتی در وزن تترادراخماها با وزن کمتر از ۱۵ گرم مشاهده می‌شود.

بعد دوباره در پایان سلطنت مهرداد اول سلوکیه دوباره به دست سلوکیان درآمد تترادراخماها ارزش خود را افزایش می‌دهند و این زمانی مشاهده می‌شود که با فتح مجدد سلوکیه به دست فراتس دوم در سال ۱۲۸ میلاد این وزن بیش از ۱۶ گرم در سکه‌ها دیده می‌شود. نوسانات اقتصادی و دخالت آب و هوا افزایش درگیری‌های منطقه‌ای و افزایش قیمت در کالاهای اصلی مانند (جو و خرما) و تضعیف قدرت خرید مردم باعث شد که سکه نقره ضعیف شود چه در میانگین وزن سکه‌ها و چه در قدرت خرید سکه نقره را ضعیف کرد. در سال ۱۴۸ پیش از میلادیک دوره دشوار برای بابل و شهرهای اطراف آن بود درگیری‌های بین پارتیان و سلوکیان بین سالهای ۱۴۱ پ.م و ۱۳۰ پ.م و ۱۲۸ پ.م و حملات مشترک با الیماییان در سراسر جنوب گزارش‌هایی از بیماری و کمبود مواد غذایی در سراسر سرزمین پارتیان در زمان مهرداد اول می‌باشد. بین سالهای ۱۲۳ پ.م، ۱۱۸ پ.م، ۱۱۲ پ.م، ۱۰۸-۱۰۶ پ.م، ۱۰۴ پ.م، ۹۴-۹۱ پ.م. با مطالعه بر روی شهرهای سلوکیه دجله پتانسیل اقتصادی منطقه را نادیده گرفت. و اعتبار آن در حوزه غرب را نادیده گرفت.

به منظور انتقال قلب امپراتوری خود به ارتفاعات ایارن تحقیقات در مورد جنوب بین النهرین و همچنین عدم استانداردهای مداوم و وزن تترادراخماهای پارتیان نشان می‌دهد که منطقه در تلاش بوده است اقتصاد خود را در نیمه دوم قرن پیش از میلاد تثبیت کند. هرچند پادشاهان اشراف زاده پارتیان نسبت به منطقه بی‌تفاوت بودند یا نه؟ شهرهای یونانی و سلوکی و نواحی ارتفاعات و مسیرهای ارمنستان به سمت غرب و تجارت جدید با شرق امپراتوری اشکانی از نظر اقتصادی موثرتر بودند. در شرق امپراتوری مشغول پرورش اسب بودند. ضرب سکه نقره نوسانات وزن و الگوهای آن و ضرب سکه‌های شوش نشان می‌دهد که شوش شهر مهمی بوده است نقش اسب و کمان در بین مردم و

کالاها مهم بوده است. در ضربخانه سکه این نقش وجود داشته است. که به فرهنگ ارتفاعات ایران اشاره دارد (Magub, Alexandra, 2018, 50-52).

۲. داده ها و متدولوژی

سکه‌شناسی بخش مهمی از علم باستانشناسی است که دارای اهمیت فراوان است. با مطالعه و تحقیق بر روی سکه‌ها وقایع تاریک و مبهم گذشته آشکار می‌شود. سکه تنها سند تاریخی است که از زمان ایجاد آن دخل و تصرفی در آن بوجود نمی‌آید. سکه‌شناسی در شناخت ادیان و مذاهب و اساطیر باستانی نقش بسزایی دارد و تاریخ بسیاری از وقایع مذهبی را روشن و آشکار می‌کند. با مطالعه شهرهایی که سکه در آنها ضرب شده، می‌توان جغرافیای تاریخی آن مناطق را با دقت بیشتر تدوین و ترسیم نمود. سکه معیار سودمند برای شناخت مقیاس‌ها و اوزان در ادوار گذشته به شمار می‌رود. همچنین تاریخ مصور آداب و رسوم، البسه تزیینات جنگ‌افزارها و گاهی معماری ملت‌هاست.

با مطالعه بر روی سکه‌هایی که دارای نوشته هستند می‌توان تا حدودی سیر و تحول خطوط آن دوران را باز شناخته و موضوعات زبانشناسی آن زمان را تحلیل نمود. یکی از امتیازات مهم سکه در مقایسه با سایر اشیا و یافته‌های باستانی صحیح و سالم ماندن آنهاست. داریوش اول هخامنشی نخستین کسی بود که در ایران به ضرب سکه اقدام نمود. پس از هخامنشیان اشکانیان نیز به ضرب سکه پرداختند. سکه‌های این دوران از اسناد و مدارک گرانبهای تاریخ فرهنگ و هنر این ایران به شمار می‌آیند. سکه‌های اشکانی که ضربشان از نیمه دوم سده سوم پیش از میلاد آغاز شد، نقوش بسیار متنوعی دارند و هر پادشاه با چهره خاص خود و با تمام جزئیاتی که برای چهره در نظر گرفته شده، به راحتی از هم منفک شده‌اند و حتی نمایانگر تغییرات چهره پادشاهان در سالیان متمادی سلطنت‌شان از جوانی تا میان‌سالی و پیری نیز هستند. بر پشت برخی از سکه‌های این دوران مظاهر و نشانه‌های مذهبی ایران و یونان به چشم می‌خورد که بنا به دلیل آزاداندیشی پارتیان آثاری از عقاید و باورهای مذهبی رایج در حکومت اشکانیان بر آنها انعکاس یافته است. اشکانیان هم از آغاز فرمانروایی ماهیتی مذهبی برای حکومت خود قایل شدند. بنابراین با تکوین حکومت مرکزی و آیین رسمی تغییرات بزرگی در اوضاع اجتماعی و فرهنگی و هنری این دوره ایجاد نمودند به طوری که در تمامی مضامین هنری این دوره

بویژه سکه‌ها احترام و تعلق پارتیان به آیین مزدیسنا و زرتشت کاملاً مشهود است. یکی از پادشاهان اشکانی به نام بلاش اول به گرد آوری اوستا پرداخت و برادر او تیرداد از دین داران مزدیسنی به شمار می‌رفت. سکه‌های این دوره نیز از لحاظ نقوش بسیار متنوع هستند و با مطالعه دقیق آنها می‌توان اطلاعات مفیدی بویژه در زمینه خط و اوضاع فرهنگی این دوره کسب نمود. این سکه‌ها امروزه زینت بخش بسیاری از موزه‌های داخل و خارج از کشور هستند. در موزه‌های دنیا سکه‌های اشکانی موجود است که برخی از آنها در مخازن نگهداری شده و برخی دیگر در درون ویترین‌ها به نمایش گذاشته شده است. مطالعه و تحلیل نقوش این سکه‌ها می‌تواند برخی از ابهامات آن دوران را برطرف نموده و از این طریق دریچه‌ای هر چند کوچک به این دنیای باستان گشوده شود.

۳. ادبیات تحقیق

نخستین پژوهش درباره سکه شناسی دوران اشکانی را سکه‌شناس برجسته فرانسوی ژان فوا-وایان در سال ۱۷۲۵ میلادی انجام داد. کتاب وی تحت عنوان "امپراتوری اشکانی یا تاریخ شاهان پارت برای سکه‌ها" به زبان لاتین نگاشته شده است. در این کتاب که ۲۹ فصل دارد نگارنده به شرح تاریخ سیاسی هریک فرمانروایان اشکانی پرداخته، سپس سکه‌های آن فرمانروا را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. حدود یک قرن بعد جان لیندسی (۱۸۵۲)، کتاب "تاریخ و سکه‌های پارت" را چاپ نمود. وی در کتاب خود تصاویر طراحی شده سکه‌های اشکانی را به نمایش در آورد و سپس به بررسی آنها پرداخت. بعدها دو سکه‌شناس دیگر، دومارکوف فرانسوی (۱۸۷۷) و گاردنر باستان‌شناس انگلیسی (۱۸۷۷) به طور هم‌زمان دو کتاب در زمینه سکه‌های اشکانی منتشر نمودند. کتاب دومارکوف تحت عنوان سکه‌های شاهان پارتی در پاریس و کتاب گاردنر تحت عنوان مسکوکات پارتی (اشکانی) در لندن به انتشار رسید. در حدود ده سال بعد فون گوتمسید (۱۸۸۸) کتابی درباره "تاریخ سلوکی و اشکانی" نگاشت. وی در این کتاب، به توضیح تاریخ دوره‌های اشکانی و سلوکی پرداخت. سه سال بعد، نخستین کتاب به زبان فارسی درباره سکه‌های اشکانی در ایران منتشر شد. این کتاب در زمان قاجار با عنوان "درالتیجان فی تاریخ بنی اشکان" توسط اعتماد السلطنه (۱۳۰۹-۱۳۱۱ ه. ق.) و در "دارالطباعة دولتی تهران" به چاپ رسید. این کتاب بطور کامل در مورد تاریخ اشکانیان

می‌باشد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی راث کاتالوگ سکه‌های اشکانی در موزهی بریتانیا را به زبان انگلیسی و پتروویچ (۱۹۰۹) کاتالوگ مجموعه‌ی شخصی خویش را انتشار دادند. دمرگان، باستانشناس فرانسوی (۱۹۲۳) کتاب راهنمای سکه‌های شرقی را نیز منتشر نمود که بخشی از آن به سکه‌های اشکانی و ویژگی‌های آن اختصاص داشت. اواخر دهه هفتاد میلادی به نوعی سالهای درخشان در زمینه‌ی مطالعات سکه‌های اشکانی به شمار می‌رود. در سال (۱۹۷۸) خانم ملکزاده بیانی، دومین کتاب درباره‌ی سکه‌های اشکانی را با عنوان " تاریخ سکه دوره پارتی " به زبان فارسی به چاپ رسانید. سپس در همان سال و کمی بعد از آن، میچینر (۱۹۷۸) کتاب سکه‌های شرقی و ارزش‌های آن را بچاپ رسانید که این کتاب درباره سکه‌های کلاسیک و باستانی می‌باشد و در بخشی از این کتاب به سکه‌های اشکانی اشاره می‌نماید. سیر (۱۹۷۹) در کتاب خود با عنوان سکه‌های یونانی و ارزش آنها به سکه‌های اشکانی پرداخت. بعد سلوود (۱۹۸۰) کتاب "در آمدی بر سکه‌های اشکانی" را به چاپ رسانید.

اثر ارزشمند سلوود امروز همچنان مورد توجه پژوهشگران و مجموعه‌داران سراسر جهان می‌باشد که در پژوهش پیش رو از آن استفاده شده است. شور (۱۹۹۳) کتاب " تاریخ و سکه‌ی اشکانی " را در سال ۱۹۹۳ به تحریر در آورد و سلوود (۱۹۸۳)، آلام (۱۹۹۸)، سرخوش کورتیس (۲۰۰۷) و سینیسی (۲۰۱۱) هر کدام فصلی از یک کتاب را به بحثی خلاصه در این موضوع آراستند که در این پژوهش بخش‌هایی از این منابع مورد استفاده قرار گرفته است. اخیراً سینیسی (۲۰۱۲) در مجموعه کتاب‌هایی که درباره سکه‌های اشکانی در ۹ جلد چاپ خواهند شد، بیش از ۲۷۰۰ سکه به دست آمده از دوره اشکانی را مورد بررسی قرار داده است. در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی در ایران در زمینه سکه شناسی اشکانی تألیف شد. کتاب "سکه‌های ایران از آغاز تا زندیه" نوشته فریدون آورزمانی و علی‌اکبر سرفراز که در سال (۱۳۸۵) منتشر شد که در بخشی مجزا به معرفی ویژگی‌های سکه‌های اشکانی پرداخته است. در دهه‌ی ۱۳۹۰ کتاب "سکه‌های اشکانی" بازنگری تاریخ و سکه شناسی اشکانیان (غلامی ۱۳۹۲)، " تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها" (دیلمقانی، ۱۳۹۵) و "نمادشناسی سکه‌های اشکانی" (افتخاری و جمشیدی

۱۳۹۶) و نیز آخرین کتاب در این زمینه که به بررسی گونه‌های مختلف سکه‌های اشکانی پرداخته و کتاب "گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی" افتخاری (۱۳۹۶) به چاپ رسید. درباره سکه‌شناسی اشکانی چندین پایان‌نامه و رساله دکتری وجود دارد که هر کدام از آنها از منظر خاصی به این سکه‌ها پرداختند که در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌شود. مورد اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "مطالعه، شناسایی و طبقه‌بندی سکه‌های اشکانی موجود در موزه آستان قدس رضوی" که نگارنده آن سید مهدی میر قاسمی (۱۳۹۲) از گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و راهنمایی این پایان‌نامه بر عهده زنده‌یاد دکتر فرهنگ خادمی ندوشن بوده است. مورد بعدی رساله دکتری تحت عنوان "تحلیل باستان‌شناختی تحولات تاریخی و اقتصادی پارت‌ها بر اساس مسکوکات در دوره زمانی ۲۴۷-۵۰ قبل از میلاد" می‌باشد، نگارنده آن بیتا سودایی (۱۳۸۹) و راهنمایی این رساله نیز بر عهده زنده‌یاد دکتر فرهنگ خادمی ندوشن بوده است. رساله دکتری دیگری نیز تحت عنوان "تحلیل اوضاع اقتصادی و سیاسی دوره اشکانی در قرن دوم میلادی بر اساس آنالیز شیمیایی مسکوکات ضرب شده در ضرابخانه ماد" توسط مهناز صالحی گروس (۱۳۹۳) در دانشگاه تربیت مدرس تهران، به نگارش در آمد. اخیراً مقالات پراکنده و گوناگونی نیز درباره‌ی سکه‌شناسی اشکانی منتشر شده که هر یک به بررسی ویژگی‌های خاص سکه‌ها، بیشتر از جنبه انتساب یا تاریخگذاری پرداخته‌اند. اما از آنجایی که تاکنون مطالعه جدی بر روی سکه‌های اشکانی صورت نگرفته است؛ از این رو، در پژوهش حاضر کوشش شده است با بهره‌گیری از مطالعات سکه‌شناسی و باطبقه‌بندی و تیپ‌شناسی این سکه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و برخی از نقوش و کتیبه‌ها این دوران از طریق این سکه‌ها شناسایی شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها
با توجه به کمبود اطلاعات باستان‌شناختی و زبان‌شناختی ما از وضعیت فرهنگی دوره اشکانی و نیز جهت سامان بخشیدن اطلاعات فرهنگی، این پژوهش با بکارگیری یکی از فرهنگی‌ترین و ارزشمندترین داده‌های باستان‌شناختی این دوران، در پی افزایش و تکمیل دانسته‌های مربوط به عصر یاد شده است. برگزیدن این پژوهش و انتخاب سکه‌های اشکانی در حالی که تا به حال به این سکه‌ها توجه شایان نشده است، پاسخگوی سئوالات

متعدد در جهت روشن شدن پیام‌های فراوان سکه‌های عصر اشکانی با محوریت سکه‌های دو موزه مورد نظر است که به لحاظ اهمیت تاریخی، اسطوره‌شناسی و زبان شناختی قابلیت به نمایش درآمدن در این موزه‌ها را دارد. نگارنده با حضور در موزه‌ها ضمن عکس‌برداری از سکه‌ها، ابتدا تمامی اطلاعاتی که پیرامون سکه‌ها از زمان کشف تا انتقال به موزه در دفتر ثبت اموال موزه موجود بود را گردآوری نمود. سپس کوشش شده است تا آنجاییکه وضوح خطوط و نقوش سکه‌ها اجازه می‌دهد موارد مبهم در مورد هر یک از سکه‌ها روشن و اطلاعات مورد نیاز با مطالعه روی مسکوکات فراهم شود. نخست اطلاعات مربوط به شناخت جنس و وزن و واحد هر یک از سکه‌های موزه‌ها گردآوری شده است. سپس مطالعه نقوش و تشخیص چهره پادشاهان (با در نظر داشتن فرم کلاه، سربند و یا تاج مخصوص هر پادشاه) صورت پذیرفت. گام بعدی شناخت ضرابخانه‌های اشکانی بر اساس علائم، حرف یا حروف اول اختصاری ضرابخانه‌ها و تشخیص نام و عناوین پادشاهان این دوران براساس مطالعه و بازخوانی نقوش و نوشته سکه‌ها حاصل شد.

این پژوهش به مطالعه و بررسی نقوش سکه‌های اشکانی می‌پردازد با این تفاوت که مطالعات اصلی ما بر روی سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی موزه‌ها متمرکز می‌باشد. در این مطالعه با تکیه بر تحقیقات کتابخانه‌ای، اینترنتی و استفاده از کتب و مقالات معتبر در زمینه تاریخ و سکه‌شناسی اشکانی ابتدا کلیات کار را فراهم شده، سپس با استفاده از تعدادی سکه‌ی شناسایی شده در موزه‌ها و کلکسیون‌ها و مقایسه آن‌ها با نمونه سکه‌های موزه‌ها، به معرفی این سکه‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب در موزه‌ها و بازدید از مسکوکات باستانی ایران در دوران اشکانیان مطالعه سکه‌ها، نوشته و نقوش متنوع آنها و نیز مقایسه تطبیقی با نمونه‌های مشابه در سایر موزه‌ها در این پژوهش مبنای کار بوده است. قابل ذکر است، که مجموعه ۴۷۱ عدد سکه مورد بررسی قرار گرفته و در موزه ملی ایران تعداد ۲۴ عدد سکه اشکانی مربوط به دوران عصر تاریکی و در حدود بیش از هزار سکه منتسب به دوره‌های پادشاهان دیگر اشکانی موجود است.

در مورد سکه‌های اشکانی تمام این سکه‌ها در این مقاله مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، اما درباره‌ی سکه‌های اشکانی به دلیل مشاهده تعداد زیادی سکه‌ها در بین آن‌ها به دلیل نبودن گنجایش آنها در این مقاله در این بخش تنها به تعداد ۲۴ عدد از موزه ملی و بقیه از

پنج موزه دیگر دنیا به آن پرداخته شد که متعلق به این دو پادشاه مختلف این دوره عصر تاریکی می‌باشد. در بررسی و مطالعه این سکه‌ها، نمونه‌هایی از این دو پادشاه صاحب سکه دوره اشکانی، از موزه‌های دنیا به جهت قیاس و تطبیق آمده است. همچنین در موزه ملی ۱۱ عدد سکه اشکانی مربوط به پادشاه گودرز و ۱۳ عدد سکه اشکانی مربوط به پادشاه فرهاد سوم وجود دارد که تمامی این سکه‌ها در این پژوهش معرفی و بررسی شده است. سکه‌های اشکانی مربوط به این دو پادشاه از موزه‌های دیگر دنیا نیز می‌باشد که بررسی، توصیف و تحلیل نقوش آنها براساس ترتیب و توالی حکومت این دو پادشاه این دوران نیز انجام شد.

جدول شماره ۱: سکه‌های اشکانی دوره گودرز اول

گودرز اول	ایران	ای ان اس	برلین	بی ام	پاریس	سلود	وین	جمع کل
	۱۱	۱۱	۳۳	۴۱	۴۷	۴۲	۱۵	۲۰۰

جدول شماره ۲: سکه‌های اشکانی دوره فرهاد سوم

فرهاد سوم	ایران	ای ان اس	برلین	بی ام	پاریس	سلود	وین	جمع
	۱۳	۲۱	۶۲	۶۸	۶۳	۳۹	۵	۲۷۱

۵. ضرابخانه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی

پارتیان با توجه به سبک منحصر به فرد زندگیشان علاقه‌ای به ماندن طولانی در یک شهر و بنای شهرهای جدید نداشتند و دائم در حال تغییر جا و مسافرت‌های جنگی بودند. ایشان بانی شهرهای زیادی نبودند و بیشتر از شهرهای آباد دوران هخامنشی و سلوکی استفاده کرده‌اند و توانسته بودند کنترل تمام شهرها و ضرابخانه‌های سلوکیان در ایران را به دست آورند. در دوره اشکانیان برای اولین بار در ایران شاهد حک کردن نام ضرابخانه بر روی مسکوکات هستیم که می‌تواند راهگشای مسائل اقتصادی، سیاسی و حتی شناسایی معادن آنها باشد. اشکانیان عمدتاً علامت ضرابخانه شهری را که سکه در آن ضرب می‌شد









بر پشت سکه درج می‌کردند. این علامت در درهم‌ها معمولاً در زیر کمان ارشک دیده می‌شود (خادمی ندوشن ۱۳۸۵، ۵۹).

سکه‌های اشکانی دارای علائم و نشانه‌هایی است (مونوگرام) که برخی از آنها متعلق به شهرهایی هستند که سکه در آنجا ضرب شده است. نخستین سکه‌ای که به طور یقین دارای علامت ضربخانه است، به دوران فرمانروایی مهرداد اول تعلق دارد. مهم‌ترین شهری که تا اواخر دوران اشکانیان به ضرب سکه‌های درهم اقدام می‌نمود، شهر اکباتان هگمتانه (= همدان) است (سرفرازو آورزمانی ۱۳۸۵، ۴۴). همدان یا اکباتان مقر تابستانی شاهان پارت و ضربخانه سلطنتی بوده است. از میانه‌ی دوره‌ی شاهنشاهی اشکانی و قرون پس از میلاد مسیح، ضربخانه‌ها شمارشان محدود شد و نظم بیشتری گرفت؛ بدین معنا که سکه‌های چهاردرهمی و سه درهمی سیمین در سلوکیه‌ی دجله و درهم‌های سیمین بیشتر در اکباتان ضرب می‌شدند (افتخاری ۱۳۹۶، ۵). از زمان فرهاد سوم ضربخانه‌ها در روی سکه و در پشت سرارشک و یادر کنار کمان حک شده است. مهم‌ترین این ضربخانه‌ها عبارت‌اند از نيسا، تامبروکس، سیرینیک، آپامنه آ و آریا (هرات) می‌باشد (سرفراز و آورزمانی ۱۳۸۵، ۴۴-۴۵). هگمتانه یا اکباتان مهم‌ترین و فعال‌ترین ضربخانه‌ی اشکانیان بود. سکه‌های حاصل این ضربخانه از اواخر دوران حکومت مهرداد اول آغاز شده و تا پایان امپراتوری اشکانی ادامه می‌یابد. اولین گروه از سکه‌های ضرب شده، در این ضربخانه، یک درهم‌ها، ابولی‌ها و چالکوهایی هستند که بعد از فتح هگمتانه در سال ۱۴۸ ق. م ضرب شده‌اند (غلامی ۱۳۹۲، ۵۷).

این سکه‌ها دارای علامتی تحت عنوان "مونوگرام" می‌باشند. مونوگرام‌های سکه‌های اشکانی ترکیبی از چند حرف یونانی و نشانه‌هایی برای ضربخانه، بازرسی ضربخانه، واحد پولی، سال ضرب و مفاهیم دیگر بودند که از ترکیب و ادغام چند حرف ساخته شده است (افتخاری ۱۳۹۶، ۲). جنس سکه‌های اشکانی نقره و مفرغ است. سکه‌ی نقره درهم نامیده می‌شد که واحد بزرگتر آن چهار درهم و واحدهای کوچکتر ابولی بودند. رایج‌ترین پول این دوره درهم بود که در ضربخانه‌های سراسر کشور ضرب می‌شد. اشکانیان سکه‌ی زرین نداشتند (De Morgan 1933, 137). جعفری دهقی (۱۳۹۱، ۲۴) و گوبل (۱۳۹۱، ۱۰۹) سکه‌های سیمین اشکانی شامل چهاردرهمی، سه درهمی، نیم درهمی،

دوابولی و ابولی می‌شدند. یک سکه اشکانی و رایج‌ترین سکه آنها درهم سیمین بود که حدود ۴ گرم وزن داشت. درهم از واژه‌ی دراکمای یونانی گرفته شده بود که در آغاز یک وزن بود و سپس پول رایج دنیای باستان گشت. سکه‌های مفرغی نیز چالکوی نام داشتند که شامل یک چالکوی، دوچالکوی، چهارچالکوی وزن چالکوها در آغاز حدود دوگرم بود که چون ارزش مادی بسیار کمتری نسبت به سکه‌های نقره داشتند و نشان خیلی دقیق نبود (افتخاری ۱۳۹۶، ۲-۱).

جدول شماره ۳: تصاویر سکه‌ها دوره اشکانی و محل ضرب آنها

پشت سکه	علامت نام شهر به یونانی	نام شهر	علامت ضربخانه
	A; Agbatana, Ecbatana, Hamadan	همدان، اکیاتان	
	NI; NICA or NICA; Nisa (Ashkhabad), Nisaea in Margiana	نیسا	
	CVΛΣ; Syimx in Hircania.	سیرینکس	
	Charax: near north Iran	خاراگس	
	TAM; Tambraca, Tombrax (Sary)	ساری	
	PT; Rhagae (Tehran)	رگا، ری	

۳۹۲

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره دهم، شماره
اول، شماره پیاپی
سی و شش
بهار ۱۳۹۹

	علامت نام شهر به یونانی	نام شهر	علامت ضربخانه
	MI; Mithradatkart citadel of Nisa	نيسا ميثرادات کرت،	
 	MP; Margiane (Merv)	مرو	
	AP; APEIA, Aria APEIA, Arya (Heart)	هرات، آریا	
	T; Traxiane (Mashed)	ترگزینا نزدیک مشهد	

	APT; Atremita (Dstjerd)	آرته مینا، (دستگرد)	
	K; konkobar or Ctesiphon	کنسیفون، کنگوبار، کنگاور	
	ΛΟ; Laodicea (Nehavand)	لائودیسه، نهاوند	
	Σf, ΣTP, KA ;(Kata) ΣTPATΣIA, Traveling court mint	کاتاز تراتیا، دربار، کاب، ضرابخانه سیار زمان جنگ (در طول راه	
	ΔI, f, Susa	شوش	
	Δ:selucia	سلوکیه	

۳۹۴

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌المللی

فصلنامه

پژوهش‌های


روابط بین‌المللی،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

	APIA: Aparshahr Nishabor,	ابرشهر نیشابور	
	Apamea	آپامنه محل آن خوار در حوالی ری،	

۶. علامت ضرباخانه ها بر روی سکه‌ها

اغلب سکه های اشکانی دارای علائمی هستند که این علائم و نشانه ها متعلق به شهرهایی است که سکه های اشکانی در آن ضرب شده است. گاهی حکاکان هنرمند ضرباخانه های اشکانی به ابتکار هنری جالبی دست می زدند بدین ترتیب که به جای نوشتن نام کامل شهر یا مخفف آن از ترکیب و تلفیق حرف اول شهر با یک یا چند حرف دیگر را حروف آن علامتی می ساختند که از آن پس عنوان و علامت ضرباخانه آن شهر شناخته می شد و محل قرا گرفتن این علامت در پشت سکه ها و در زیر تصویر کمان ارشک است. که مهمترین این ضرباخانه ها عبارتند از نسا، تامبراکس، آپامنه، آریا(هرات)، مارگیان (مرو) تراگزیان، کاتازارتیا، هگمتانه (همدان)، رگا (ری) میتراآتکرت (دژنيسا)، سلوکیه، لائودیسه، کنگاور، تیسفون، شوش.



شکل ۱: مهمترین علائم ترکیبی - اختصاری معروف ضرباخانه های شناخته شده

جدول شماره ۴: نمونه ضرابخانه‌های اشکانی



۳۹۶

پژوهش‌های باستان‌شناسی
روابط بین‌المللی

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌المللی،
دوره دهم، شماره
اول، شماره پیاپی
سی و شش
بهار ۱۳۹۹

جدول شماره ۵: ضرابخانه‌های فرهاد سوم

جمع	کتگاور	کاترانزیا	آریا	سلوکیه	شوش	آرتامیتا	اکیاتان	سلوکیه دجله	ری	تاکستان	نسا	مغانه	میتراداتکرت	لاندهسه	مجموعه ضرابخانه فرهاد سوم
۷	-	۱	-	-	-	-	-	-	۳	-	-	-	۳	-	ایران
۱۸	۱	۴	-	-	۱	-	۸	-	۲	-	-	-	۲	-	ایران
۵۳	۲	۱۱	-	۴۲	۱	-	۲۴	۱	۳	-	۱	۱	۷	-	برلین
۶۴	۳	۹	-	۲	۲	۱	۲۶	۱	۷	-	-	۳	۱۰	-	بی‌ام

پاریس	-	۱	۱	-	-	۱	۱	۳۱	-	۵	-	-	-	-	۱۷۴
سلود	-	۵	۱	۱	۱	۳	-	۷	-	۶	۱	۱	۱	۳۱	
وین	-	-	۱	-	-	۱	-	۲	-	-	-	-	-	۴	
جمع کل	۲۸	۷	۲	۱	۲۱	۹۸	۲	۹	۴	۳۲	۱۱	۳۵۱			

۷. شهرهای پارت

۳۹۷

احتمالا سرزمین پارت در دوران مهرداد دوم (۱۸۷-۱۳۳ پ.م) شامل شهرهایی نظیر پارتیانه هیرکانیه نسا استائونه، کومیسنه، خوارنه، بوده است (شییمان ۱۳۸۶، ۳۸). دارا نخستین پایتخت اشکانیان در کوه آپارتون قرار داشت این شهر را با داریوم واقع در آپاورتنه یکی دانست که پلینیوس در باره اش سخن گفته است. هر جا که این محل قرار داده شود شهر در محدوده استقرار گاه اولیه پرنی ها قرار داشته است. (التهایم ۱۳۸۸، ۲۰). امروزه شهر نسا با تحقیقات و کاوش های باستان شناسی مشخص شده است همچنین بنابر گزارش ایسیدور خاراکسی، نسا در ایالت پارتیانه واقع بوده است (۱۳۹۲: ۳۸). این ایالت از سوی شمال به دامنه کوه کوپت داغ و در شرق به دره گز امروزی محدود بوده است. کومیسنه در حوالی جاده قدیمی خراسان قرار داشت. این ایالت از شمال به هیرکانیه و از جنوب به دشت لوت محدود بود. شهر صد دروازه (هکاتوم پلیس) در این ایالت واقع بود شاید این شهر با ویرانه های قومس (کومش) یکی باشد (هانسن ۱۹۶۸، ۱۱۱).

استائونه از دیگر شهرهای پارتیان بود که احتمالا در امتداد دره اترک واقع بوده و از شرق به قوچان امروزی و از غرب به شیروان و بجنورد محدود بود (شییمان ۱۹۸۷، ۳۹). ایسیدور همچنین از شهرهای دیگر پارتی نام می برد که مطابقت آنها با جایگاه امروزی کاری بسیار دشوار است (ایسیدور خاراکسی ۱۳۹۲). پس از مرگ داریوش سوم سرزمین هیرکانیه از پارتوا جدا شد و خود به صورت ایالتی خود مختار در آمد، اما پس از چندی ایالت خوارزم به پارتوا پیوست و روی هم ایالت واحدی را تشکیل دادند. در حدود سال ۵۲۱ پ.م اهالی هیرکانیه در پارتوا علیه ویشتاسپ هخامنشی نیز به شورش



برداشتند و از فرورتیش مادی حمایت کردند اما شورش آنها بوسیله هخامنشیان سرکوب شد. سپس در زمان حمله اسکندر مقدونی ساکنان ایالت پارت در شمار سپاهیان ایران در منطقه اربلا جنگیدند و سرانجام پارت به تصرف اسکندر در آمد و ساتراپ آن به نام فراتافرئیس تسلیم اسکندر شد. اسکندر یک نفر پارتنی را به نام امیناپسس را به سمت ساتراپ هیرکانیه تعیین کرد (دیواز ۱۹۶۸، ۳-۸) پس از این که اسکندر بر این سامان تسلط یافت امیناپسس از سوی اسکندر شهریان پارت شد. در سال ۳۱۸ پ.م پیتون شهریان ماد، پارت را تصرف کرد و برادر خویش ایوداموس را به جای او نشان داد. اما دیگر شهریان ها با پوستاس پارسی متحد شدند و پیتون را به ماد بازگرداندند (یوستی، کتاب سیزدهم، ۲۳، ۴). پارت در سال ۳۱۶ پ.م ظاهراً به باکتریای تحت فرماندهی استانسور پیوست، اما پس از حدود یک سده فرمانروایی مقدونیان از سوی اسکندر و جانشینان سلوکی او به واسطه جنگ های فرسایشی با مصر فرسوده شدند، تا جایی که دیودوت در باکتریا قیام کرد و در ۲۳۵ پ.م خود را شاه خواند (یوستی، کتاب چهل و یکم، ۵۰۴). پس از مرگ آنتیوخوس سوم (۱۸۷ پ.م) آثار ضعف در فرمانروایی سلوکی آشکار شد تا چندی پیش آگاهی های مربوط به حکومت سلوکیان در شرق، بویژه در ایران و نیز فرمانروایی اشکانی به حدی ناچیز بود که جز چند گزارش ضد و نقیض هیچ سند موثقی در دست نبود.

هنوز هم اخبار و آگاهی های ما از نیمه دوم قرن سوم و نیمه قرن دوم در پرده ای از ابهام قرار دارد. تاریخ نگاران همواره در انتظار دریافت شواهد و اسناد تازه، بوژه در زمینه در زمینه سکه شناسی و باستان شناسی به سر می برند. هنوز هم روایات و شواهد اندکی که از گذشته پارتیان در دست است، که غالباً برگرفته از دو تاریخ نگار دوران باستان یوستی و استرابو است هر دوی این تاریخ نگاران و دیگر گزارشگران دوران باستان مغرضانه سخن گفته اند و هنگام اشاره به پارتیان سخن از بربرها به میان می آورند. منبع باقی مانده یونانی لاتینی غالباً کوتاه و گسسته اند و غالباً دست اول به شمار نمی روند. بیشتر از منابع فبلی هستند. منابع موجود به ویژه از لحاظ گاه شماری و زمان واقعی حوادث دوران اشکانی با اشکال رو به رو هستیم (ولسکی ۱۳۸۳، ۴۹-۵۰). وطن اصلی پارتیان در حواشی شمال شرقی خراسان جنوب ترکمنستان امروزی قرارداد شد. (کیانی ۱۳۷۴،

۱۶) پایتخت دولت اشکانی به تناسب پیشروی حکومت آن دولت تغییر می کرد. (رضایی ۱۳۷۷، ۳۰۸) اشکانیان دارای پایتخت های متعددی بودند که به فواصل مختلف از یکدیگر فرار داشتند و مناطق و شهرهای قلمرو وسیع آنان را به هم پیوند می دادند. این اصل نه تنها از لحاظ سیاسی و اداری مهم بود، بلکه موجب تسهیل در امر تجارت و دادوستد داخلی و خارجی نیز بود. (مهدی نیا ۱۳۷۷، ۴۴۶)

۸. طبقه بندی یافته های تحقیق

با توجه به علامت ضرابخانه های بر روی سکه ها مشاهده می شود که بر روی سکه های گودرز اول نشانه های ضرابخانه و شهرها دیده نمی شود ولی بر روی سکه های فرهاد سوم مشاهده می شود. همچنین تعداد و طبقه بندی و تیپ شناسی سکه ها در جدول ذیل طبقه بندی شده است.

۳۹۹

پژوهش های باستان شناسی
روابط بین المللی

بازتاب تحولات سیاسی
اجتماعی اقتصادی
شهرنشینی در
امپراتوری اشکانی در
مسکوکات



جدول شماره ۶: تعداد و طبقه بندی و تیپ شناسی سکه های گودرز اول

چالکولی	دی چالکولی	تترا چالکولی	نقوش گیاهی - اشیا	نقوش حیوانی	نقوش انسانی	برنز	نقره	تعداد	مجموعه گودرز اول
-	-	-	-	-	-	-	۱۱	۱۱	ایران
-	-	-	-	-	-	-	۱۱	۱۱	ای ان اس
۱	۷	۹	۱	۹	۷	۱۷	۱۸	۳۳	برلین
-	۱	۵	-	۵	۱	۹	۳۲	۴۱	بی ام
۵	۱۹	۱۲	۵	۱۲	۱۹	۳۶	۱۱	۴۷	پاریس
-	۴	۱	-	۱	۴	۵	۳۷	۴۲	سلود
-	۱	۷	-	۷	۱	۸	۷	۱۵	وین
۶	۳۲	۳۴	۶	۳۴	۶۴	۱۵۰	۱۲۷	۲۰۰	جمع کل

۴۰۰



جدول شماره ۷: تعداد و طبقه بندی و تیپ شناسی سکه های فرهاد

چالکولی	دی چالکولی	تترا چالکولی	نقوش گیاهی - اشیا	نقوش حیوانی	نقوش انسانی	چهار دره‌سی	برنز	نقره	تعداد	مجموعه فرهاد سوم
۲	۲	۱	-	۳	۲	-	۵	۸	۱۳	ایران
۱	۲	۶	۱	۸	-	-	۹	۱۲	۲۱	ای ان اس
۳	۱۲	۱۳	۳	۲۵	-	۳	۲۹	۳۳	۶۲	برلین
۱	۸	۱۱	۱	۱۹	-	۲	۲۰	۴۸	۶۸	بی ام
۳	۲۴	۲۳	۳	۴۷	-	-	۵۰	۱۳	۶۳	پاریس
-	-	۷	-	۷	-	-	۷	۳۲	۳۹	سلود
-	۱	۱	-	۲	-	-	۲	۳	۵	وین
۱۰	۴۹	۶۲	۸	۱۱۱	۲	۵	۱۲۲	۱۴۹	۲۷۱	جمع کل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره اول، شماره پیاپی سی و شش بهار ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

امپراتوری اشکانی دوره جذاب تاریخ پارس است که از نزدیک با یونان و روم ارتباط دارد. در ایران باستان (ایران)، اشکانیان جانشین اسکندر کبیر، سلوکیان را شکستند، اکثر خاورمیانه و جنوب غربی آسیا را فتح کردند و کنترل جاده ابریشم پارتیا را به یک ابرقدرت شرقی تبدیل کرد. این دوره سردرگم‌ترین دوره تاریخ اشکانیان از سالهای پایانی در زمان سلطنت مهرداد دوم ۸۸ پ.م تا پادشاهی ارد دوم ق. ۵۷ پ.م می‌باشد. در حالی که مهرداد دوم هنوز در قدرت بود، ما سکه‌هایی از گودرز اول حدود ۹۵ - ۹۰ پ.م، همچنین ارد اول حدود ۹۰ - ۸۰ پ.م داریم. و در دوره‌ای که بلافاصله پس از سلطنت مهرداد دوم، می‌بینیم که سکه‌های ارد اول حدود ۹۰ - ۸۰ پ.م، با شاهزاده ناشناس اول ۸۰ پ.م و شاهزاده ناشناس دوم حدود ۸۰ - ۷۰ پ.م و سناتروک. ۷۷ - ۷۰ پ.م و داریوش مادی از آترو پاتن ۷۰ پ.م با هم همپوشانی دارند. و در این زمان بین سالهای ۵۰ تا ۷۰ پ.م به نظر می‌رسد فرهاد سوم کنترل خود را در سالهای پیرامون ۷۰ پ.م و به دنبال آن ارد دوم ۵۷ پ.م کنترل کامل را در دست گرفت. بحث گسترده این دوره بسیار گیج‌کننده است. و نظرات متفاوتی وجود دارد. با مقایسه سکه‌ها با یکدیگر و متون ادبی و لوح‌های میخی می‌توان این شناسایی را انجام داد. و شواهد کتبی در این دوره آنقدر گنگ و مبهم است که نسبت دادن سکه‌ها به حاکمان مختلف با اینکه بر حدس و گمان است، ولی هنوز هم قابل اطمینان‌ترین اسناد سکه‌ها هستند. هم‌زمان با مهرداد دوم گودرز و ارد یکم با هم سکه‌ها ضرب کردند و بعد از ارد یکم هم ارد دوم و دو پادشاه ناشناخته و سناتروک و داریوش را داریم. که این بعلاوه از قلم افتادن ۳۵ سال تاریخ‌نگاری توسط یوستینیوس، میان پادشاهی مهرداد دوم و ارد دوم باعث شده است. که از اخبار پیوسته از دوران عصر تاریکی به دوریمانیم. در نتیجه‌گیری ما شباهت سکه‌های گودرز اول و فرهاد سوم مشاهده می‌کنیم و تفاوت بین سکه‌ها در خطوط و آیکنونوگرافی سکه‌ها است که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند همین‌طور شباهت سکه‌های این دو شاه نیز با سکه‌های دیگر شاهان شباهت در تاج آنها است که باز هم تفاوت آنها در جزئیات و نقش تاجها است. که در ظاهر شاید تاجها شبیه به یکدیگر باشد ولی در نقش کنگره‌ها ستاره‌ها، نقطه‌ها، روبانها و گوزنها آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند و باعث می‌شود هر یکی از شاهان تعلق

۴۰۱

پژوهش‌های باستان‌شناسی
روابط بین‌الملل

بازتاب تحولات سیاسی
اجته‌های اقتصادی
شهرنشینی در
امپراتوری اشکانی در
مسکوکات

داشته باشد. هنر پارسی می‌توان به سه دوره تقسیم کرد هنر اوایل دوره پارسی (۲۴۷-۱۲۴ پ.م) که یان تأثیرات خیلی عمیق و ریشه دار در آثار نسا مشاهده می‌شود تقلید کامل محتوایی و تکنیکی و تصایر بصورت کامل تقلید از هنر یونان در نقش برجسته ها، سکه ها و مهرها مشاهده می‌کنیم و در اواسط دوره پارت از دوره مهرداد دوم تا اواخر سده قرن اول تأثیر هنر یونان را کاملاً در خود حل کرده و یا به صورت بومی شکل در آورده تصاویر انسانها دیگر برهنه نیستند بلکه پوشیده و یا مستور شده اند. و در سده آخر حکومت پارتها تأثیرات هنر یونانی را بهمراه هنر رومی بصورت منعکس را می‌بینیم. در بررسی اوضاع ایران، دوران اشکانیان آنچه که اهمیت دارد ایران و مردم ایران است. در مطالعه تاریخ اشکانی، علاوه بر نقش هلنیزم یا یونانی‌گری و یا یونانی-مقدونی چیزی که خیلی خیلی مهم تر است و متأسفانه در پژوهش‌های مربوط به تاریخ سلوکی و تاریخ اشکانی نادیده گرفته شده است آن هم نقش خود ایران است که بکلی حذف شده است. و همچنین بررسی شورش یونانیان در باختر نیز دارای اهمیت ویژه ایی است از این جهت این شورش‌ها قابل اهمیت است که پیش درآمد وقایعی که در سده سوم پیش از میلاد در باختر/ بلخ رخ داده است و بدین ترتیب یک تاریخ نگار باید ذهن خود را از نفوذ اندیشه‌های اروپامداری و نگاه افراطی یونانی محوری دور کند و به تفسیر واقعی حوادث دوره سلوکی و اشکانی بپردازد.

منابع

- آرام، میخاییل. (۱۳۹۱). چگونگی وظایف سکه شناختی اشکانیان در امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن. برگردان هوشنگ صالحی و دیگران. تهران: فرزانه روز.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). هنر ساسانی. تهران: نشر پازینه.
- اشمیت، رودریگر. (۱۳۹۲). مدارکی درباره زبان و نام‌های پارسی از عهد اشکانیان امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن. یوزف ویزهوفر. ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران. تهران: نشر فرزانه روز.
- افتخاری، یوسف. (۱۳۹۶). گونه شناسی سکه‌های اشکانی. بیرجند: نشر قهستان.
- افتخاری، یوسف و محمود جمشیدی درمنی. (۱۳۹۶). فرهنگ نمادها بر سکه‌های اشکانی. تهران: نشر دایره دانش.
- اولبریخت، مارک. (۱۳۹۲). فرهنگ مناطق استپی و روابط میان جمعیت کوچک و یکجانشین در امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن. برگردان هوشنگ صادقی و دیگران. تهران: نشر فرزانه روز.

برومند، صفورا. (۱۳۹۳). کماندار، اومفالوس و اورنگ، بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی. نشریه "مطالعات تاریخ فرهنگی"، ویرایش‌های انجمن ایرانی، ص ۵، ش ۲. صص ۱۴-۱.

پرادا، ایدت. (۱۳۸۳). هنر ایران باستان تمدن‌های پیش از اسلام. تهران: دانشگاه تهران.

جعفری دهقی، محمود. (۱۳۹۱). نقش سکه شناسی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران. کتاب ماه و تاریخ و جغرافیا، ش ۵۸، صص ۲۵-۲۰.

خادمی ندوشن، فرهنگ. (۱۳۸۵). بررسی سیستم اقتصادی پارتیان با استفاده از روش تجزیه طیف سنجی. یک مطالعه موردی، مجله "پژوهش‌های تاریخی"، صص ۶۸-۵۸.

سبزعلی، مهدی، گودرزی علیرضا، خزائی کوهپر مصطفی و فرهنگ خادمی ندوشن. (۱۳۸۹). مطالعه وضعیت اقتصادی اشکانیان در دوران مهرداد اول و مهرداد دوم، براساس آزمایش شبکه‌های تفره درهمی، به وسیله دستگاه "XRF". نشریه "پیام باستانشناسی"، ش ۱۳، علمی پژوهشی، صص ۹۱-۱۲۱.

سرفراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی. (۱۳۸۵). سکه‌های ایران از آغاز تا زنده. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

سلوود، دیوید. (۱۳۸۷). دولت‌های کوچک جنوب ایران. تاریخ ایران کمبریج از سلوود تا فروپاشی دولت ساسانیان. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. ج ۳، ب ۱. تهران: نشر امیرکبیر.

سودایی، بیتا. (۱۳۸۹). تحلیل باستان شناختی تحولات تاریخی و اقتصادی پارت‌ها بر اساس مسکوکات در طی ۲۴۷ تا ۲۵۰ قبل از میلاد. رساله دکتری رشته باستانشناسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

شکوری فر، ملیحه و سیروس نصرالله‌زاده. (۱۳۹۵). پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی. نشریه "جستارهای تاریخی". تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۷، ش ۱، صص ۲۱-۴۶.

شهبازی فراهانی، داریوش. (۱۳۸۰). تاریخ سکه (دوره قاجاریه). تهران: انتشارات بوره که بی. مرکز نشر پژوهش‌های ایران‌شناسی.

صالحی گروس، مهناز. (۱۳۹۳). تحلیل اوضاع اقتصادی و سیاسی دوره اشکانی در قرن دوم میلادی بر اساس آنالیز شیمیایی مسکوکات ضرب شده در ضرابخانه ماد (هگمتانه). رساله دکتری رشته باستانشناسی، دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

غلامی، کیارش. (۱۳۹۲). سکه‌های اشکانی. تهران: نشر پازینه.

ملکزاده بیانی، ملکه. (۱۳۸۱). تاریخ سکه از قدیمی ترین ازمه تا دوره ساسانیان. ج ۲. تهران: نشر دانشگاه تهران.

ولسکی، یوزف. (۱۳۸۴). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: نشر ققنوس.

Assar, G. R. F. (2005). "The Genealogy of the Parthian King Sinatruces", *the journal of the Classical and Medieval Numismatic Society*.

Assar, G. R. F. (2006b). "A Revised Parthian Chronology of the period 91- 55 BC", *Partica, Vol 8*.

Curtis, V. s. (2007). "Religions Iconography on Ancient Iranian Coins", in J. Cribb, G. Herrman(eds), After Alexander. Central Asia before Islam Proceedings of British Academy, 133, Oxford.

De Morgan, J. (1933). "Numismatique de la Pers antique: dynastie Sassanide", Paris.

Khademi Nadooshan, F, T Aizipoor, B Ganbari," Parthian Forgeries: The Numismatic Evidence", Celator, pp: 34-36.

MAGUB ALEXANDRA, Political and Religious Ideologies on Parthian Coins of the 2nd-1st Centuries BC Thesis submitted for the degree of PhD 2018 Department of Religions and Philosophies, School of History, Religions and Philosophies SOAS, University of London

Mitchiner, M. (1978). "Oriental Coins and Their Values": The Ancient and Classical World, 600 B. C. - A. D. 650, London, Hawkins Publications.

Olbrycht, M. J. (1997). "Parthian King's aara: Numismatic Evidence and some Aspects of Arsacid Political Ideology", Notat Numismaticae, Vol. 2.

M. J. (2010b). "The Early Reign of Mithradates II the Great in Parthia" Anabasis Vol. 1.

Olbrycht, M. J. (2011). "The Titulature of the First Arsacids and Its Religious Connotations", [Tytulatura pierwszych Arsakidów i jej polityczno-religijne konotacje] Published in L. Mrozewicz /K. Balbuza (eds). The World of Antiquity, its publish Researchers and the Cult of the ruler, [Pod redakcja Leszka Mrozewicza i Katarzyny Balbuzy, Poznan] .

Olbrycht, M. J. (2014). " Parthians, Greek Culture, and Beyond", in: Within the Circle of Ancient Ideas and Virtues. Studies in Honour of Professor Maria Dzielska, Kraków, pp. 129- 142.

Sellwood, D. (1976). " The drachms of the parthian 'Dark Age ", JRAS 108.

Sellwood, D. (1980). "An Introduction to the Coinage of Parthia", London, Pardy& son.

Sinisi, F. (2012a). "The Coinage the Parthians", in Oxford Handbook of Greek and Roman Coinage, Oxford- University Press.

Wroth, W. (1903). "Catalogue of the coins in British Museum": Catalogue of the coins of Parthia, London.

Parthia. com/Parthia -gene. htm